



**شوهر مده آ** / گروه ما یک چیز کم دارد. یک چیز مهم. می گویند هر سازمان و شرکت موفق یکی از آن‌ها را دارد. گویا مراجعه به آن هم بسیار زیاد است. طبق تحقیقات آسوشیتدپرس تمام بیست شرکت موفق این چیز مهم را دارند. می گویند دالتون ترامبو همیشه نزدیک یکی از این‌ها بوده و ایده فیلم *interstellar* در یکی از این‌ها به ذهن کریستوفر نولان خطور کرده است. چه حیف که گروه ما این را ندارد، اما می توان با نو شدن سال، دفتر گروه را نیز با یکی از این‌ها نو کرد، با یک دست‌شویی بزرگ!



**رو سی هستیم ولی روسی نیستیم** / دانشگاه جای خوبی است. به نظرم امروزه، دانشگاه راه نجات بشریت است. شما یک لحظه تصور کن دانشگاه نبود. چه بلایی در روزهای عید بر سر اعصاب جوان ایرانی می‌آید؟ از اول تا آخر عید، هی مجبور بودیم به مهمانی برویم. هی بین دوراهی سه بوس یا دو بوس شک کنیم. هی کله‌ی فامیل را از چیزمان (زندگی‌مان!) بیرون بکشیم، و هی دقت کنیم که موز برنذاریم که مامان‌مان نیشگون‌مان نگیرد. دائما باید به جک‌های شوهرخاله و عمه‌مان می‌خندیدیم و وقتی در مورد وضع تاهل‌مان با ما شوخی‌های زرد می‌شد، باید الکی سرخ و سفید می‌شدیم، که مثلا؛ نه بابا! ما خیلی با حیاییم و این حرف‌ها. اما حالا دانشجویهای خوبی هستیم که از فرط پویایی و کوشایی در عید، هم درس و مشق و هم پروژه‌ی میان‌ترم داریم و شرمندگی روی فامیلی هستیم که بی‌شک جای‌شان در قلب ما است. (سه بار). خلاصه که قدر این روزها را بدانید، قبل از این که خودتان از آن فامیل‌ها بشوید که دلیل انجام پروژه‌های میان‌ترم هستند. عیدتان پر پروژه و کم فامیل!



یا مثلا وقتی میریم انجمن گیم و که از تجربیات بچه‌ها تو کانتر بازی کردن بپریم شاهد برق گرفتگی هم دانشگاهی‌مون که می‌خواسته شارژر لپ‌تاپش رو به پریز کهن سال انجمن وصل کنه نباشیم. شاید بگین توقعاتم خیلی زیاده اگه انتظار داشته باشم بعد از عید که برای حال و احوال به انجمن گیم میرم لوگویی که روی دیوار روبه‌روی نصب شده دیگه کج نباشه و اون پایه شکسته‌ای که معلوم نیست چند قرن پیش بهش تخته وایت برد وصل بوده دیگه اونجا نباشه اما من از ته قلبم موقع سال تحویل دعا می‌کنم که وقتی که برگشتم با یه دانشکده‌ی تمیز تر روبه‌رو بشم. خواسته‌های من برای دانشکده تموم نشد اما تموم شدن راهم منو مجبور کرد تا از رویاهام بیام بیرون و به خانواده در امر خطیرخونه تکونی کمک کنم.



براتون سالی خوش و عاری از هرگونه کثیفی رو از خدا می‌خوام.



**Dory** / روزی آخر اسفند بود از دانشگاه که می‌رسیدی خونه مستقیم باید می‌رفتی و تو خونه تکونی به خانواده کمک می‌کردی. یه روز تو راه رفتن به خونه با کلی خستگی داشتم خدا رو شکر می‌کردم که دانشگاه هست، والی چقدر وحشتناک می‌شد فکر شو بکن از صبح تا شب خونه تکونی! هی جا به جا کردن وسایل و تمیز کردن و تمیز کردن ... راستی دانشگاه چی؟ استادها هم اتاقشونو خونه تکونی می‌کنن؟ اصلا اون هیچی گروه چی؟؟ گروه برا عید کاری کرده؟ قراره بکنه؟ مثلا قراره بودجه بده به انجمن‌ها برای رنگ کردن دیواره‌شون یا نه اصلا هیچی به هیچی؟ آزمايشگاها چی؟ اونا نه! اونا رو مطمئنم که خونه تکونی نمی‌شن. لاقال پارسال و سالای پیش که نشدن! اینو از کثیف بودن همیشه‌ی پنجره‌ها و تار عنكبوت‌هایی که هر بار می‌خوای شارژر لپ‌تاپ رو به پریز برقی که پشت کیس‌ها گذاشتن وصل کنی کل دستتو دربر می‌گیرن همیشه فهمید! هووووم دیگه کجا موند؟ اها! اعضای انجمن‌ها!

فک کنیم انجمن‌ها (به خصوص دو تا انجمنی که فعالیت و رفت‌وآمد تو اونها بیشتر از بقیست) سال‌های سال منتظر کشیده شدن به دستمال ساده به دیواره‌شون. ینی ممکنه امسال تمیز بشن؟ مثلا بعد عید که برای پرسیدن برنامه دوره‌ها به انجمن کامپیوتر بریم (در روزگاران قدیم دیده شده که دوره هم برگزار می‌کرده) برای اولین بار هم که شده با رنگ واقعی دیوارا روبه‌رو شیم یا میخی که هیچکس نمیدونه چرا روی دیوار کنار در کوبیده شده باعث نخ‌کش شدن یا پارگی لباسمون نشه!



**آستریکس /** نوروز برای هر کس رنگ‌وبویی داشته باشد، برای دانشجویان خوابگاهی رنگ‌وبویی خاص دارد. بازگشت به زندگی اصلی و دوری یک ماهه از زندگی‌ای که برای خودت این‌جا ساخته‌ای. اصلاً باید خوابگاهی باشی تا حس کنی دنیاهای موازی یعنی چه، جابه‌جایی بین دو جهانی که خودت ساخته‌ای و نمی‌دانی که در کدامی، نه در اینی و نه در آنی. همه می‌گویند؛ دانشجوی خوابگاهی دو وطنه می‌شود. اما من می‌گویم دانشجوی خوابگاهی این است؛ از این‌جا مانده و از آن‌جا رانده



**خاکستری /** سالی دیگر هم گذشت و حال که در آستانه‌ی آمدن نوروز هستیم، شاید خیلی بی‌جا نباشد که از گروه کامپیوتر انتظار عیدی داشته باشیم. عیدی دل‌خواه من (و احتمالاً جمع کثیری از دانشجویان)، یک چارت درسی ثابت و کامل است که گروه آن را با هر تقی که به تخته می‌خورد، تغییر نداده و براساس آن درس را ارائه دهد، و ما هر ترم شاهد خیل دانشجویانی که پشت دفتر گروه برای مشکلات متعدد انتخاب واحد صف کشیده‌اند، نباشیم. اگر انتظار داشتن چنین عیدی‌ای توقع زیادی است، حداقل قبل از اعمال تغییرات، دانشجویان را به موقع از این اتفاقات باخبر کنند، تا آن‌ها بتوانند نظر خود را در این زمینه بیان کنند. بلکه این‌گونه بتوانند در وضع تحصیل خود مؤثر باشند.



### Alt+F9

خبرنامه انجمن علمی گروه کامپیوتر دانشگاه فردوسی مشهد

سال دوم ویژه نامه فروردین ۹۸

صاحب امتیاز: انجمن علمی کامپیوتر

مدیر مسئول: مریم حکم آبادی

سردبیر: هما حبشی

ویراستار: فرهاد آذیش

صفحه آرا: محمد کاهانی

شماره مجوز: ۹۶۳۵۳۱

@altf9\_admin

@alt\_f9



**اون آخری /** نوروز باستانی، در دانشگاه سطح استانی، همان رتبه سوم ایران، محض نمونه در کل جهان، پر از استاد گران و دانشجوی نگران، وعده‌های غذای پر و پیمان به همراه شربت شیرین بیان، به هنگام تغییر زمان، سرگرم خواندن رمان و به وقت امتحان، سراسر استرس و هیجان، موفقیت‌های بی‌پایان به کمک دست‌های پنهان، حاصل رنج‌های فراوان، اپلای به ملک یابان، خروج دسته دسته مسافران به قصد رهایی از این همچو زندان؛ در دل دختران و پسران، آرزوهای کودکان و صدای فغان در نهایت داستان. گفتمی که این‌ها همه از کجا دانی، گفتم حجاب تویی از میان برخیز.



**تدموزی /** تعطیلات عید فرصت مناسبی است تا اعمال خود را بررسی کنیم و مورد حساب‌رسی قرار دهیم. در واقع بهتر است خودمان این کار را پیش از آن که اساتید زحمتش را برایمان بکشند، انجام دهیم و بنده که شخصا، عمرا راضی به زحمت‌شان باشم.

عید عموماً در بین مردم مقوله‌ی بسیار مناسبی است و معمولاً سلول‌های ساکن بعضی از اعضای بدن این افراد درگیر برپایی جشن و سرور مفصل و باشکوهی هستند. با وجود این، بعضی از دانشجویان مفلوک گروه کامپیوتر که چند سالی است اسیر وزارت‌توی دانشکده‌ی مهندسی شده‌اند، از این موضوع مستثنا هستند. این دسته از دانشجویان، با برگزاری مراسم «خاک بر سر ریزون» و ذکر «چه کنم، چه کنم» از تعطیلات خود جهت انجام ندادن پروژه‌هایشان استفاده می‌کنند و در واپسین لحظات پیش از تحویل پروژه، به شکر خوردن افتاده و با چپلوسی برای دوستان حل تمرین تلاش می‌کنند تا از امدادهای غیبی آن‌ها بهره‌مند شوند.

در این بین، تعطیلات مذکور، فرصت مناسبی به اساتید دوست‌داشتنی گروه می‌دهد تا با تفکر و تعمق، راه‌های کمک کردن به دانشجویان را پیدا کرده و با انداختن سنگ مناسب، دسیسه‌ی دشمنان را خنثی کنند. برخی از اساتید با شعار «زندگی سخته» اعتقاد دارند؛ دانشجو باید مرد<sup>۱</sup> بار بیاید و اصلاً دندش نرم و مشکل خودش است و اصلاً می‌خواست مرد<sup>۲</sup> نباشد. این دسته از اساتید با انجام تحقیقات نوآورانه موفق به منتشر کردن مقالات ارزشمندی در این حوزه شده‌اند که البته به علت بالارفتن h-index و citations آن‌ها، باعث ارتقای سطح گروه در جوامع بین‌المللی نیز می‌شوند. با توجه به پسندیده بودن این رخداد، فرصت را غنیمت شمرده و از طرف نشریه alt+f9 از زحمات بی‌منت‌شان قدردانی می‌کنم.

در انتها، ضمن تبریک سال نو و آرزوی کم‌باگ بودن پروژه‌های تان، امیدوارم عیدی خود را به خوبی پس‌انداز کنید تا در روزهای طولانی و سخت پیش رو تا ایام امتحانات پایان‌ترم، چای نبات بین کلاس‌های تان هم‌چنان برقرار بماند.

پی‌نوشت یک: این «مرد»، آن «مرد» نیست و با نگاه جنسیتی به آن نگاه نکنید.

پی‌نوشت دو: این یکی، همان مردی است که فکر می‌کنید.